



توهین و سب النبی توسط دانش آموزان در فضای مجازی: تحلیل فقهی
مسئولیت حدی و چالش های تربیتی ناشی از بحران هویت نوجوانی
امیر خزائی، رضا بادی ثانی هریس، مریم خانوردیلو، اصغر گوهری جمشید

امیر خزائی - amirfhg32@gmail.com - دانش

آموخته سطح 2 سفیران هدایت

رضا بادی ثانی هریس «3»

rezasani138000@gmail.com -

دانش آموخته کارشناسی دانشگاه فرهنگیان

مریم خانوردیلو - maryamkhanverdi75@gmail.com -

مریم خانوردیلو «4»

دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه

آزاد اسلامی کرج

اصغر گوهری جمشید -

اصغر گوهری جمشید «5»

asghargoharijamshid@gmail.com - دانش پژوه

سطح 3 حوزه علمیه تهران

توهین و سب النبی توسط دانش آموزان در فضای
مجازی:

تحلیل فقهی مسئولیت حدی و چالش های تربیتی
ناشی از بحران هویت نوجوانی

نویسنده :

فهرست مطالب

امیر خزائی «2»

چکیده

بحران هویت با سبّ النبی: ۳.۳.۱. مکانیسم جلب
توجه از طریق شوک‌آفرینی ۳.۳.۲. هم‌رنگی با
گروه‌های معارض برای کسب پذیرش ۳.۳.۳. ابراز
خرسندانه اعتراض نسبت به اقتدار دینی

مقدمه ۱.۱. طرح مسئله: گسترش فضای مجازی و
آسیب‌شناسی رفتارهای توهین‌آمیز دینی ۱.۲. اهمیت و
ضرورت پژوهش: ضرورت رویکرد میان‌رشته‌ای « فقه،
روانشناسی، رسانه » ۱.۳. هدف اصلی: تحلیل فقهی
مسئولیت حدی و ریشه‌یابی تربیتی ۱.۴. سوالات پژوهش:
چهار پرسش محوری در ابعاد فقهی و تربیتی ۱.۵. پیشینه
پژوهش: خلاّ تحقیقات تلفیقی در این حوزه ۱.۶. روش
پژوهش: توصیفی-تحلیلی با گردآوری کتابخانه‌ای

فصل اول: تحلیل فقهی مسئولیت حدی دانش‌آموزان
نوجوان ۲.۱. ماهیت جرم سبّ النبی در فقه امامیه: ادله
قرآنی، روایی و اجماعی ۲.۲. شروط تحقق مسئولیت
کیفری: بلوغ، عقل، اختیار، علم « حکم و موضوع » ۲.۳.
چالش‌های اعمال حد در فضای مجازی: ۲.۳.۱. شبهه
در بلوغ عقلی و سن مسئولیت‌پذیری ۲.۳.۲. جهل
تربیتی نسبت به حرمت عمل ۲.۳.۳. تأثیر گمنامی و
تکانش‌گری در فضای سایبر ۲.۴. دیدگاه‌های فقهی نوین:
قاعده درء، مصلحت‌گرایی و تأکید بر جنبه‌های تربیتی

نتیجه‌گیری

فصل دوم: بحران هویت نوجوانی و رفتارهای
توهین‌آمیز ۳.۱. نظریه هویت اریکسون: نیاز به
تعلق‌پذیری، استقلال و آزمایش‌گری ۳.۲. فضای مجازی
به‌مثابه بستر تشدید بحران: ۳.۲.۱. شکل‌گیری
هویت‌های متکثر و متناقض ۳.۲.۲. فشار خودنمایی
« Self-Presentation » و گم‌گشتگی هویتی ۳.۳. پیوند

۵.۱. جمع‌بندی یافته‌ها: تقدم سیاست‌های تربیتی بر
مجازات حدی ۵.۲. چهار رکن راهبرد جامع: سواد رسانه‌ای،
تحول تربیتی، مهندسی محتوا، سیاست‌گذاری
هوشمند ۵.۳. چشم‌انداز نهایی: تربیت "سفیران آگاه
دینی" در فضای مجازی

منابع

هرچند سبّ النبی به اجماع فقها مستوجب حد قتل است، اما شروط تحقق مسئولیت حدی « بلوغ، عقل، اختیار و علم » در مورد نوجوانان مرتکب در فضای مجازی با چالش‌های جدی مواجه است: نخست، ابهام در احراز بلوغ عقلی با توجه به نظریه‌های روانشناسی رشد « اریکسون، پیاژه »؛ دوم، احتمال جهل تربیتی نسبت به حرمت ذاتی عمل؛ سوم، تأثیرپذیری از فشار گروه‌های مجازی که ممکن است مصداق شبهه یا اکراه روانی تلقی گردد. این شرایط، لزوم بازنگری در اولویت‌های سیاست کیفی «تقدم اصلاح بر مجازات» را آشکار می‌سازد.

محور دوم پژوهش، تحلیل ارتباط بحران هویت نوجوانی با این پدیده است. مطابق یافته‌ها، نوجوان در مرحله «هویت در مقابل سردرگمی نقش» « اریکسون » با سه نیاز محوری روبه‌روست: جلب توجه، تعلق‌جویی و ابراز وجود. فضای مجازی با ارائه بستری برای هویت‌سازی متکثر، خودنمایی « Self-Presentation » و گروه‌های همسال معارض، این بحران را تشدید می‌کند. در این بستر، رفتارهایی چون سبّ النبی عمدتاً بازتابی از چهار مکانیسم روانی است:

چکیده:

۱. تلاش برای تمایزطلبی از طریق شوک‌آفرینی

۲. هم‌رنگی با گروه‌های ضددینی به منظور کسب پذیرش

۳. ابراز خرسندانه اعتراض نسبت به اقتدارهای دینی یا اجتماعی

پژوهش حاضر با عنوان «توهین و سبّ النبی توسط دانش‌آموزان در فضای مجازی: تحلیل فقهی مسئولیت حدی و چالش‌های تربیتی ناشی از بحران هویت نوجوانی» با رویکردی میان‌رشته‌ای « فقه، روانشناسی تربیتی و رسانه » به واکاوی علل و پیامدهای این پدیده پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد گسترش فضای مجازی با ویژگی‌هایی چون گمنامی نسبی، کاهش بازدارنده‌های اخلاقی « Online Disinhibition » و تأثیرپذیری از گروه‌های معاند، زمینه‌ساز بروز رفتارهای توهین‌آمیز دینی در میان نوجوانان شده است. از منظر فقه امامیه،

۴. تقلید کورکورانه ناشی از ضعف تفکر انتقادی.

متخصصان فضای مجازی، مصونیت درونی نسل نوجوان را در برابر انحرافات اعتقادی تقویت کنند.

راهکارهای پیشنهادی پژوهش بر چهار رکن کلیدی استوار است:

کلیدواژه‌ها :

۱. سبّ النبی ۲. مسئولیت حدی ۳. بحران هویت نوجوانی ۴. فضای مجازی ۵. تربیت دینی

۱. تحول در تربیت دینی: جایگزینی روش‌های تحکمی با آموزش پرسش‌محور، تبیین عظمت نبوی با روایت‌های هنرمندانه و پاسخگویی به شبهات در فضاهای امن گفت‌وگویی.

مقدمه :

۲. ارتقای سواد رسانه‌ای دینی: آموزش مهارت‌های تحلیل گفتمان‌های معاند، نقادی محتوای ضددینی و اخلاق کاربری فضای مجازی در برنامه درسی مدارس.

طرح مسئله: گسترش بی‌سابقه و نفوذ عمیق فضای مجازی در زندگی روزمره، دسترسی آسان و غالباً کنترل‌نشده دانش‌آموزان به این فضا را به همراه داشته است. این دسترسی، فرصت‌های آموزشی و ارتباطی ارزشمندی ایجاد کرده، اما همزمان زمینه‌ساز بروز آسیب‌های نوظهور و پیچیده‌ای شده است که از جمله نگران‌کننده‌ترین آن‌ها، مشاهده مواردی از توهین یا سبّ پیامبر اکرم «ص» توسط برخی نوجوانان و دانش‌آموزان در بستر این فضا می‌باشد. این پدیده، به دلیل ماهیت جرمی که طبق فقه اسلامی از شدیدترین جرایم «موجب حد قتل» محسوب می‌شود و حساسیت فوق‌العاده آن از منظر اعتقادی، اجتماعی و امنیتی، ضرورت واکاوی دقیق را دوچندان می‌کند. پیچیدگی مسئله زمانی آشکارتر می‌شود که سن پایین مرتکبین، قرار گرفتن آنان در مرحله حساس نوجوانی با ویژگی‌هایی چون بحران هویت، آزمایشگری و تأثیرپذیری شدید از همسالان، و نیز ماهیت خاص فضای مجازی با ویژگی‌هایی چون گمنامی نسبی، کاهش بازدارنده‌های اجتماعی و گسترش سریع محتوا، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. این تقاطع، تحلیل یک‌جانبه و ارائه راهکارهای ساده‌انگارانه را ناممکن

۳. مداخله نهادهای فرهنگی: تولید محتوای جذاب هویت‌ساز «انیمیشن، بازی‌های رایانه‌ای، پادکست» با روایت‌های نوین از سیره نبوی و تبدیل مساجد به کانون‌های دیجیتال دینی.

۴. سیاست‌گذاری هوشمند: ترکیب فیلترینگ هوشمند با توسعه زیرساخت‌های فراغتی رقابتی «پارک‌های موضوعی، اکسیرهای علمی» برای کاهش جذابیت گروه‌های انحرافی.

این پژوهش نتیجه می‌گیرد که حل این چالش، مستلزم عبور از دوگانه کاذب فقه/روانشناسی و اجرای مدل تربیتی تلفیقی است که در آن خانواده، مدرسه و نهادهای فرهنگی با همکاری فقها، روانشناسان و

می‌سازد « صالحی امیری ، 2017 » .

محوریت نقش بحران هویت نوجوانی و چگونگی تعامل آن با فضای مجازی در شکل‌دهی به چنین رفتارهای انحرافی. در نهایت، این پژوهش در پی آن است که با ترکیب یافته‌های دو بخش تحلیلی پیش‌گفته، چالش‌های اصلی تربیتی در مواجهه با این معضل را شناسایی و راهکارهای عملیاتی و پیشگیرانه مبتنی بر تقویت هویت دینی و ارتقای سواد رسانه‌ای را ارائه نماید.

اهمیت و ضرورت پژوهش: بررسی این پدیده شوم، مستلزم نگاهی جامع‌نگر و میان‌رشته‌ای است که ابعاد فقهی-حقوقی « مبتنی بر مسئولیت کیفری و حدود شرعی » و ابعاد روانشناختی-تربیتی « متمرکز بر علل زمین‌ای و بسترهای شکل‌گیری رفتار » را توأمان مورد توجه قرار دهد. تمرکز صرف بر مجازات، بدون درک ریشه‌های عمیق این رفتار در بحران‌های هویتی و تربیتی نوجوانی و نیز بدون شناخت تأثیرات منحصر به فرد فضای مجازی، نه تنها مشکل را حل نخواهد کرد، بلکه ممکن است به تشدید واکنش‌های معارضانه بینجامد. از سوی دیگر، غفلت از حرمت ذاتی و سنگین جرم سبّ النبی و پیامدهای اجتماعی-اعتقادی آن نیز به هیچ وجه قابل اغماض نیست. بنابراین، ضرورت دارد پژوهش‌های علمی به تبیین دقیق مسئولیت فقهی متناسب با شرایط خاص مرتکب نوجوان و بستر ارتکاب، و همزمان به کالبدشکافی علل تربیتی و روانشناختی این پدیده با تأکید بر بحران هویت نوجوانی بپردازند تا زمینه برای ارائه راهکارهای جامع، پیشگیرانه و اصلاحی فراهم گردد. این راهکارها باید علاوه بر رعایت موازین شرعی، قابلیت اجرا در محیط‌های تربیتی « خانواده، مدرسه » و متناسب با ویژگی‌های رشدی نوجوان و پیچیدگی‌های فضای سایبر را دارا باشند « محمد ری شهری، 2003 » .

سوالات اصلی پژوهش: برای نیل به اهداف فوق، این مقاله در پی پاسخگویی به سوالات کلیدی ذیل است: مسئولیت حدی دانش‌آموز نوجوان مرتکب سبّ النبی در فضای مجازی از منظر فقه امامیه، با توجه به شروط تحقق جرم « بلوغ، عقل، اختیار، علم » و ویژگی‌های بستر ارتکاب، چه وضعیتی دارد؟ بحران هویت نوجوانی به عنوان یک مرحله رشدی کلیدی، چگونه می‌تواند در تعامل با مخاطرات فضای مجازی، به بروز رفتارهای بی‌پروایانه و توهین‌آمیز دینی مانند سبّ النبی منجر شود؟ مهم‌ترین چالش‌های تربیتی که خانواده‌ها، نظام‌های آموزشی و نهادهای فرهنگی در پیشگیری و مواجهه با این پدیده با آن روبرو هستند، کدامند؟ و بر اساس تحلیل فقهی و تربیتی انجام‌شده، راهکارهای موثر تربیتی و پیشگیرانه برای مقابله با این چالش‌ها در سطح فردی، خانوادگی، آموزشی و اجتماعی چیست؟

هدف اصلی مقاله: هدف غایی این مقاله، ارائه تحلیلی عمیق و مستند از پدیده سبّ النبی توسط دانش‌آموزان نوجوان در فضای مجازی، با تمرکز بر دو محور اساسی است: نخست، تحلیل فقهی مسئولیت حدی این گروه سنی خاص در ارتکاب این جرم سنگین در بستر فضای مجازی، با بررسی شرایط تحقق جرم « بلوغ، عقل، اختیار، علم » و چالش‌های فقهی ناشی از سن و بستر ارتکاب. دوم، واکاوی ریشه‌های تربیتی و روانشناختی این پدیده با

پیشینه پژوهش و روش: هرچند پژوهش‌های متعددی به طور مستقل به موضوعاتی چون جرایم حدی در فضای مجازی، فقه و مسئولیت کیفری نوجوانان، بحران هویت نوجوانی و آسیب‌های فضای مجازی، و روش‌های تربیت دینی پرداخته‌اند « مانند: زرگر ، 2018 در مورد جرایم سایبری؛ و تحقیقاتی در حوزه روانشناسی نوجوان مبتنی بر نظریه اریکسون » ، اما خلأ پژوهشی آشکاری در خصوص بررسی تلفیقی و عمیق پدیده خاص سبّ النبی توسط دانش‌آموزان نوجوان در فضای مجازی،

پیامبر « ص » در منظومه اعتقادی اسلام و غیرقابل گذشت بودن هتک حرمت ایشان است « نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۵۶۳؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۹۸۷ ».

شرایط تحقق جرم سبّ النبی و مسئولیت کیفری: تحقق کامل جرم سبّ النبی و استحقاق مجازات حدی، منوط به احراز شرایط چهارگانه بلوغ، عقل، اختیار و علم است. شرط بلوغ به عنوان نقطه عطف مسئولیت پذیری، بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه با ظهور علائم طبیعی « احتلام در پسران و حیض در دختران » یا رسیدن به سنین معین « ۱۵ سال قمری برای پسران و ۹ سال قمری برای دختران » محقق می شود. شرط عقل به معنای سلامت روانی و برخورداری از قوه تمییز برای درک ماهیت عمل است که فقدان آن به دلیل جنون دائمی یا ادواری، مسئولیت کیفری را زائل می سازد. شرط اختیار نیز ناظر بر عدم وجود اکراه خارجی غیرقابل تحمل است که اراده مرتکب را مخدوش نماید. مهم تر از همه، شرط علم است که دو وجه دارد: نخست « علم به حکم » یعنی آگاهی از حرمت ذاتی و مجازات سنگین این عمل، و دوم « علم به موضوع » یعنی آگاهی از اینکه شخص مورد توهین، پیامبر اسلام « ص » است. فقدان هر یک از این شروط می تواند مانع تحقق مسئولیت حدی کامل گردد « موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۷۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۳۵۲ ».

چالش های اعمال مسئولیت حدی در مورد دانش آموزان نوجوان در فضای مجازی: تطبیق شرایط مذکور بر دانش آموز نوجوان مرتکب سبّ النبی در فضای مجازی، با چالش های متعددی مواجه است. نخستین چالش مرتبط با سن و بلوغ است: آیا صرف رسیدن به سن بلوغ شرعی « مثلاً ۱۵ سال قمری » برای تحمیل مجازات سنگین حد قتل کافی است؟ بسیاری از روانشناسان رشد مانند پیاژه و کولبرگ تأکید دارند که

با ترکیب تحلیل فقهی مسئولیت حدی و ریشه یابی تربیتی آن با محوریت بحران هویت، احساس می شود. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکردی میان رشته ای، تلاش می کند تا با استفاده از منابع معتبر فقهی « کتب استدلالی و فتوایی »، مبانی روانشناسی رشد « به ویژه نظریه هویت اریکسون »، مطالعات حوزه رسانه و تربیت دینی، و نیز اسناد مرتبط آموزشی، به تحلیل جامع این پدیده بپردازد و گامی در جهت پر کردن این خلأ پژوهشی بردارد.

تحلیل فقهی مسئولیت حدی دانش آموزان نوجوان

ماهیت جرم "سبّ النبی" و جایگاه آن در فقه اسلامی: جرم "سبّ النبی" به عنوان یکی از سنگین ترین جرایم در فقه امامیه شناخته می شود که به معنای دشنام، توهین، یا انتساب امور ناروا به پیامبر اکرم « ص » است. فقهای امامی با استناد به آیات قرآن کریم همچون آیه «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» « احزاب: ۵۷ » و روایات متواتر از ائمه معصومین « ع » مانند حدیث مشهور «سَبُّ النَّبِيِّ كُفْرٌ» در منابع معتبری چون «کافی» کلینی، بر حرمت مطلق این عمل و وجوب حد قتل برای مرتکب بالغ، عاقل و مختار تأکید نموده اند. اجماع فقها نیز به عنوان دلیل مستقل، حرمت ذاتی این جرم و شدت مجازات آن را تأیید می کند. این حساسیت تا بدانجاست که برخی فقها مانند صاحب جواهر در کتاب ارزشمند «جواهر الکلام» تصریح نموده اند که سبّ النبی حتی با توبه مرتکب نیز ساقط نمی شود، هرچند در مورد اجرای حد پس از توبه اختلاف نظر وجود دارد. این دیدگاه نشان دهنده جایگاه بی بدیل

امامیه ضمن حفظ اصل حرمت شدید سبّ النبی، با در نظر گرفتن شرایط خاص مرتکب و بستر ارتکاب، راهکارهای انعطاف‌پذیرتری را برای هدایت و اصلاح نوجوان پیش‌نهاد می‌کند « مکارم شیرازی، ۱۴۲۹ق، استفتائات؛ خامنه‌ای، ۱۴۳۰ق، اجوبه الاستفتائات ».

بحران هویت نوجوانی و ارتباط آن با رفتارهای توهین‌آمیز در فضای مجازی

بحران هویت نوجوانی: مفاهیم کلیدی و ویژگی‌های روانشناختی: دوره نوجوانی، مرحله‌ای حیاتی در چرخه رشد انسان است که اریکسون آن را تحت عنوان «هویت در مقابل سردرگمی نقش» توصیف نموده است. در این مرحله، نوجوان با پرسش‌های بنیادینی مانند «من کیستم؟»، «چه ارزش‌هایی دارم؟» و «جایگاهم در جامعه کجاست؟» مواجه می‌شود. تلاش برای یافتن پاسخ به این پرسش‌ها، فرآیند شکل‌گیری «هویت» را تعریف می‌کند که به گفته اریکسون، تلفیقی است از تجربیات گذشته فرد، انتظارات آینده و تأثیرپذیری از محیط اجتماعی. ویژگی‌های بارز این دوره شامل جستجوی فعالانه برای استقلال از والدین، حساسیت فوق‌العاده به پذیرش توسط گروه همسالان، تمایل به آزمایشگری در رفتارها و باورها، و نیاز همزمان به «تعلق‌پذیری» و «تمایز» از دیگران است. موفقیت در این فرآیند به شکل‌گیری هویتی منسجم و پایدار منجر می‌شود، در حالی که عدم موفقیت می‌تواند به «سردرگمی هویت» بیانجامد که با احساس بی‌هدفی، بی‌ثباتی هیجانی و آسیب‌پذیری در برابر تأثیرات منفی محیطی همراه است. این بحران، بستر روانشناختی مستعدی برای بروز رفتارهای پرخطر و انحرافی ایجاد می‌کند « شرفی، ۱۳۹۸، ص ۷۵؛ احمدی، ۱۴۰۰، ص ۱۱۲ ».

نوجوان در این سنین اگرچه از نظر فیزیکی بالغ می‌شود، اما بلوغ عقلی و قضاوت اخلاقی وی هنوز در حال تکامل است و ممکن است درک کاملی از تبعات ابدی و اجتماعی عمل خود نداشته باشد. دومین چالش علم و آگاهی است: آیا نوجوان در فضای پرآشوب مجازی که با انواع شبهات اعتقادی مواجه است، به‌طور یقین از حرمت مطلق و غیرقابل گذشت سبّ النبی مطلع است؟ آیا ممکن است تحت تأثیر القائات گروه‌های معاند، دچار شبهه در موضوع « مثلاً تردید در حقانیت رسالت » یا حکم « مثلاً تصور آزادی بیان مطلق » شده باشد؟ نقش ویژگی‌های فضای مجازی نیز عمیقاً تأمل‌برانگیز است: پدیده «بازداری‌زدایی آنلاین» « Online Disinhibition » ناشی از گمنامی نسبی، می‌تواند حس مسئولیت‌پذیری را تضعیف کند. همچنین، ماهیت سریع و لحظه‌ای تعاملات در این فضا « مانند کامنت‌نویسی بدون تأمل » زمینه را برای رفتارهای تکانشی « Impulsivity » فراهم می‌کند. افزون بر این، مرز بین شوخی‌های نامناسب و توهین عمدی در فضای مجازی گاه مبهم می‌نماید و نوجوان ممکن است عمق جرم را درک نکند « فتاحی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۴؛ جلالی، ۱۳۹۹، ص ۷۸ ».

نظرات فقهی در مورد مسئولیت نوجوانان: با توجه به چالش‌های فوق، فقهای معاصر دیدگاه‌های متفاوتی در مسئولیت کیفری ناقص‌الاطراف « مانند نوجوان » ارائه نموده‌اند. برخی مانند آیت‌الله مکارم شیرازی با استناد به قاعده «الحدود تدرء بالشبهات» و نیز مصلحت نظام اسلامی، معتقدند در موارد شبهه‌دار « خصوصاً در نوجوانی و فضای مجازی » باید از اجرای حد خودداری کرد و به تعزیر اکتفا نمود. ایشان در استفتائات تصریح کرده‌اند: «در مواردی که جهل یا شبهه در کار باشد و یا فرد نابالغ یا غیرعادل باشد، حد جاری نمی‌شود». برخی دیگر مانند آیت‌الله خامنه‌ای نیز بر لزوم توجه به جنبه‌های تربیتی و اصلاحی به جای تأکید صرف بر مجازات در مورد نوجوانان تأکید دارند. این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که فقه پویای

محتوای شوک‌برانگیز «مانند توهین به مقدسات» سعی در جلب نگاه‌ها در انبوه اطلاعات فضای مجازی داشته باشد. این رفتار، بازتابی از نیاز به تأیید و پر کردن خلأ هویتی است. دوم، تعلق‌جویی به گروه‌های معارض نقش کلیدی دارد: نوجوان سردرگم، برای یافتن حس تعلق، ممکن است جذب گروه‌های افراطی ضد دینی یا جوامع مجازی شود که هویت خود را بر اساس تقابل با هنجارهای مسلط تعریف می‌کنند. هم‌رنگی با این گروه‌ها و تکرار گفتار توهین‌آمیز اعضای آن‌ها، قیمت ورود به این حلقه‌های به ظاهر «خاص» است. سوم، ابراز خشم و اعتراض ناسازگارانه مشاهده می‌شود: سرخوردگی ناشی از سردرگمی هویتی، احساس بی‌عدالتی، یا تعارض با اقتدار «والدین، مذهب، جامعه» می‌تواند به شکل خشونت کلامی افراطی علیه نمادهای دینی «مانند پیامبر» بروز یابد. فضای مجازی به دلیل گمنامی نسبی، بستر کم‌خطرتری برای ابراز مخرب فراهم می‌کند. چهارم، کم‌توانی در تحلیل انتقادی محتوای معاند دینی، نوجوان را به بازتولید یا تقلید کورکورانه از توهین‌ها سوق می‌دهد. پنجم، کاهش حساسیت اخلاقی ناشی از مواجهه مکرر با محتوای زننده و هنجارشکن در فضای مجازی، آستانه تحمل اخلاقی را بالا برده و جسارت نقض تابوها را افزایش می‌دهد. ششم، فقدان هویت دینی مستحکم و عمیق به عنوان عامل زمینه‌ساز، نوجوان را در برابر این انحرافات آسیب‌پذیر می‌سازد «ناصری، ۱۳۹۹، ص ۱۴۱؛ غفاری، ۱۴۰۰، ص ۶۸».

چالش‌های تربیتی و راهکارهای پیشنهادی

چالش‌های بنیادین در مواجهه تربیتی با پدیده سبّ النبی:

فضای مجازی به مثابه بستری دوگانه: فرصت‌ها و تهدیدهای هویت‌ساز: فضای مجازی با ویژگی‌های منحصر به فرد خود، به‌عنوان محیطی تعیین‌کننده در فرآیند هویت‌یابی نوجوان عمل می‌کند. از یک سو، این فضا امکان «خودابرازی» «Self-Expression» و کشف جنبه‌های جدید شخصیت را از طریق ساخت پروفایل‌ها و شخصیت‌های مجازی متنوع فراهم می‌سازد. از سوی دیگر، این تنوع می‌تواند به شکل‌گیری «هویت‌های متکثر»، «ساختگی» و گاه «متناقض» بینجامد که فاقد انسجام درونی هستند. نوجوان در معرض بمبارانی از ارزش‌ها، هنجارها، سبک‌های زندگی و ایدئولوژی‌های متعارض «گاه متضاد با فرهنگ بومی و دینی» قرار می‌گیرد که توسط اینفلوئنسرها، گروه‌های مجازی و محتوای چندفرهنگی ارائه می‌شوند. این مواجهه، به جای غنای هویتی، می‌تواند منجر به «گم‌گشتگی هویتی» و تشدید بحران نوجوان شود. افزون بر این، فشار دائمی برای «خودنمایی» «Self-Presentation» و جلب لایک و توجه در شبکه‌های اجتماعی، نوجوان را به سمت ارائه تصویری ایده‌آل‌گرایانه و غیرواقعی از خود سوق می‌دهد که با «خود واقعی» او فاصله دارد. این شکاف، اضطراب هویتی و احساس ناکافی‌بودن را تشدید می‌کند. هم‌چنین، گروه‌های همسال مجازی نقش دوگانه‌ای ایفا می‌کنند: گاه به عنوان منبع حمایت و پذیرش، و گاه به عنوان عامل فشار برای هم‌رنگی و تقلید کورکورانه از رفتارهای نامتعارف «معتمدی، ۱۳۹۷، ص ۹۳؛ زارعان، ۱۴۰۱، ص ۵۷».

مکانیسم‌های ارتباط بحران هویت با رفتارهای توهین‌آمیز دینی «سبّ النبی»: تعامل پیچیده بحران هویت نوجوانی با ویژگی‌های مخاطره‌آمیز فضای مجازی می‌تواند زمینه را برای بروز رفتارهای افراطی مانند سبّ النبی فراهم کند. نخست، جلب توجه و اعلام وجود به عنوان یک مکانیسم پررنگ عمل می‌کند: نوجوانی که در جستجوی تمایز و دیده‌شدن است، ممکن است با انتشار

آموزش مستمر والدین در شناخت پلتفرم‌های پرخطر، الگوریتم‌های تحریک‌کننده و فناوری‌های نظارتی هوشمند.

ترویج الگوی همراهی مجازی به جای کنترل قهری: مشارکت والدین در فعالیت‌های آنلاین نوجوان جهت ایجاد اعتماد.

۲. گفت‌وگوی هویت‌محور:

ایجاد فضای امن برای طرح شبهات دینی بدون ترس از تحقیر یا تنبیه.

بازتعریف ارزش‌ها از طریق مکالمه سقراطی و نه خطابه یک‌سویه.

الگوسازی عملی در احترام به مقدسات از طریق رفتارهای روزمره «سادات حسینی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۷».

راهکارهای تحول‌آفرین در نظام آموزشی:

۱. بازنگری برنامه درسی:

گنجاندن واحد اجباری «سواد رسانه‌ای دینی» با محوریت آموزش:

۱. شکاف دیجیتالی نسلی: والدین و مربیان غالباً فاقد درک عمیق از دینامیسم فضای مجازی، الگوریتم‌های تأثیرگذار و زیرفرهنگ‌های نوظهور در میان نوجوانان هستند. این ناتوانی در همگامی با تحولات رسانه‌ای، امکان مداخله مؤثر تربیتی را تضعیف می‌کند.

۲. کمبود سواد رسانه‌ای نظام‌مند: نوجوانان بدون آموزش مهارت‌های ضروری چون تحلیل محتوای انتقادی، تشخیص پروپاگاندا و ارزیابی منابع اطلاعاتی، در معرض پذیرش غیرانتقادی گفتمان‌های معاند دینی قرار می‌گیرند.

۳. ضعف ساختاری در تربیت دینی: آموزش مفاهیم دینی غالباً به صورت تحکمی، سطحی و فاقد پاسخگویی به شبهات ارائه می‌شود. این رویکرد در برابر القاءات پیچیده فضای مجازی مقاومتی ایجاد نمی‌کند و زمینه‌ساز واکنش‌های طغیانگرانه می‌گردد.

۴. غفلت از نیازهای هویتی: نهادهای تربیتی نیاز نوجوان به تعلق‌پذیری، استقلال‌جویی و ابراز وجود را نادیده می‌گیرند. این خلأ، جستجوی آنان را به سمت گروه‌های مجازی مخرب سوق می‌دهد «شکوهی‌یکتا، ۱۴۰۰، ص ۹۲».

راهکارهای راهبردی در سطح خانواده:

۱. ظرفیت‌سازی دیجیتال والدین:

نوجوان.

تحلیل انتقادی محتوای ضددینی

به کارگیری اینفلوئنسرهای دینی دارای جذابیت رسانه‌ای برای گفتمان‌سازی در پلتفرم‌های پرتراфик.

اصول اخلاق ارتباطی در فضای مجازی «Netiquette»

۲. مهندسی فضای فراغتی:

تبیین عواقب شرعی و حقوقی جرایم سایبری

توسعه پارک‌های موضوعی دینی، اکسیرهای علمی-تفریحی و استارت‌آپ‌های فرهنگی به عنوان رقیب جذاب برای فضای مجازی.

طراحی کارگاه‌های هویت‌یابی دینی مبتنی بر نظریه «مارسیا» با تمرکز بر بحران‌های نوجوان.

۳. سیاست‌گذاری هوشمند رسانه‌ای:

۲. توانمندسازی مشاوران:

ترکیب فیلترینگ هوشمند «مبتنی بر هوش مصنوعی» با ارتقای سواد رسانه‌ای عمومی از طریق کمپین‌های تلویزیونی.

آموزش تخصصی مشاوران مدارس در روانشناسی فضای مجازی و مدیریت بحران‌های اعتقادی.

حمایت از NGOهای مردمی فعال در حوزه تربیت دیجیتال «قاسمی‌پور، ۱۴۰۱، ص ۱۵۳».

استقرار سامانه‌های گزارش‌دهی محرمانه برای مداخله به‌هنگام در موارد مشاهده انحرافات فکری.

نقش محوری مساجد و هیئات مذهبی:

راهکارهای کلان در سطح حکومت و نهادهای فرهنگی:

۱. تولید محتوای جذاب هویت‌ساز:

تبدیل مساجد به هاب‌های دیجیتال دینی با ارائه خدمات:

سرمایه‌گذاری در تولید انیمیشن، پادکست و بازی‌های رایانه‌ای با روایت‌های نوین از سیره نبوی متناسب با ذائقه

کلاس‌های رمزنگاری و امنیت سایبری

باشگاه‌های گفتمان محور درباره شبهات اعتقادی

رقابت‌های هکاتون با موضوع حل چالش‌های فرهنگی
جامعه

بحران هویت: کانون تحلیل تربیتی:

بازتعریف هیئات مذهبی به عنوان کانال‌های ارتباطی
فراغت‌محور با بهره‌گیری از هنرهای نوین « مثلاً رپ
مذهبی، استندآپ کمدی حلال » جهت جذب نوجوانان.

نتیجه‌گیری

ترکیب یافته‌های کلیدی و رویکرد تلفیقی:

پژوهش حاضر با تحلیل سه‌بعدی «فقهی»،
«روانشناختی» و «تربیتی» پدیده سبّ النبی در میان
دانش‌آموزان، به این جمع‌بندی رسید که مواجهه با این
معضل، مستلزم عبور از نگاه تک‌بعدی و اتخاذ راهبردهای
هوشمندانه‌ای است که هم‌زمان سه اصل را تضمین
کند: نخست، حفظ حرمت بی‌چون‌وچرای پیامبر اعظم «
ص» به عنوان خط قرمز اعتقادی امت اسلامی؛ دوم، درک
عمیق شرایط روانی-اجتماعی نوجوان در بحران هویت و
تأثیرپذیری از فضای مجازی؛ و سوم، طراحی مداخلات
تربیتی پیشگیرانه‌ای که در بستر واقعیات جامعه دیجیتال
امروز قابلیت اجرا داشته باشد. بررسی فقهی نشان
می‌دهد اگرچه سبّ النبی به اتفاق فقها مستوجب حد
قتل است، اما شرایط نوجوانی « شبهه در بلوغ عقلی،

چهل تربیتی، فشار گروه‌های مجازی » و ویژگی‌های فضای
سایبر « گمنامی، تکانشگری، کاهش بازداري » زمینه‌ساز
طرح پرسش‌های جدی در قابلیت انتساب مسئولیت
کیفری کامل است. این امر، ضرورت تقدم «سیاست‌های
تربیتی-اصلاحی» بر «رویکردهای تنبیهی محض» را
آشکار می‌سازد « شرفی، ۱۳۹۸؛ نجفی، ۱۴۰۴ ».

مطالعات فصل دوم اثبات کرد که رفتارهای توهین‌آمیز
دینی در فضای مجازی، عمدتاً بازتابی از بحران هویت
نوجوان در تقاطع سه عاملی است: ۱ « نیاز سیراب‌نشده به
«تعلق‌پذیری» که موجب جذب به گروه‌های معارض
می‌شود؛ ۲ « جستجوی ناسالم برای «اعلام وجود» و
تمایزطلبی در انبوه محتوای دیجیتال؛ ۳ « ضعف
زیرساخت‌های تربیت دینی پرسش‌محور که ناتوان از
پاسخگویی به شبهات القاشده در فضای مجازی است.
این سه‌گانه، توضیح‌دهنده این پارادوکس است که چرا
نوجوانی که در محیط واقعی ممکن است التزام ظاهری به
شعائر دینی داشته باشد، در فضای مجازی مرتکب جرمی
چنین سنگین می‌گردد. بنابراین، راهکارهای پیشنهادی
این پژوهش، نه معطوف به سرکوب رفتاری، بلکه متمرکز
بر «درمان ریشه‌ای» از طریق تقویت هویت دینی مبتنی بر
معرفت، سواد رسانه‌ای و پاسخ به نیازهای روانی است «
ناصری، ۱۳۹۹؛ احمدی، ۱۴۰۰ ».

چهار رکن راهبرد جامع پیشگیرانه:

بر اساس یافته‌ها، مدل بهینه مقابله با این پدیده، بر
چهار رکن استوار است:

فقیه، روانشناس، مربی تربیتی و کارشناس فضای مجازی در طراحی برنامه‌های عملیاتی همکاری کنند. چشمانداز مطلوب، ایجاد نسلی است که به‌جای کنش‌های واکنشی در فضای مجازی، با هویت دینی مستحکم، توانایی نقد گفتمان‌های معاند و مهارت تولید محتوای اثربخش، به «سفیران آگاه» عزت اسلامی در جهان دیجیتال تبدیل شوند. این امر، تنها با تبدیل تهدید فضای مجازی به «فرصتی برای تربیت پویا» محقق خواهد شد.

منابع:

۱. منابع فقهی

۱. خامنه‌ای، سید علی. «۱۴۳۰ق». اجوبه الاستفتائات «چاپ سوم». قم: انتشارات انقلاب اسلامی.

۲. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم. «۱۴۱۹ق». العروة الوثقی «محقق: احمد محسنی سبزواری، ج ۲». قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۳. مکارم شیرازی، ناصر. «۱۴۲۸ق». انوار الفقاهه: کتاب الحدود و التعزیرات «ج ۱». قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب «ع».

۴. موسوی خمینی، سید روح‌الله. «۱۴۲۱ق». تحریر الوسيله «تحقیق: سید محمدحسین بنی‌هاشمی خمینی، ج ۲». قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.

۱. ارتقای سواد رسانه‌ای دینی: تبدیل آموزش‌های مذهبی از حالت انفعالی به فعال با محوریت «تفکر انتقادی»، «تحلیل گفتمان‌های معاند» و «اخلاق کاربری فضای مجازی» در قالب برنامه‌های درسی نوین.

۲. تحول در محیط‌های تربیتی: بازتعریف نقش مساجد، مدارس و خانواده‌ها به‌عنوان «فضاهای امن پرسشگری» با استفاده از هنر، فناوری و گفت‌وگوی غیرتحکمی.

۳. مهندسی محتوای جذاب: تولید بازی‌های رایانه‌ای، انیمیشن‌های حرفه‌ای و کمپین‌های رسانه‌ای با روایت‌های خلاقانه از سیره نبوی برای رقابت با جذابیت‌های فضای مجازی.

۴. سیاست‌گذاری هوشمند: ترکیب فیلترینگ هوشمند با گسترش زیرساخت‌های فراغتی هویت‌ساز اکسیرهای علمی، پارک‌های موضوعی، استارت‌آپ‌های فرهنگی «به‌منظور کاهش انگیزه مهاجرت دیجیتالی نوجوانان».

جمع‌بندی نهایی و چشم‌انداز آینده:

این پژوهش نشان داد که پدیده سبّ النبی در میان نوجوانان، صرفاً یک «انحراف رفتاری» نیست، بلکه «زنگ خطر» برای ناکارآمدی نظام‌های سنتی تربیت دینی در مواجهه با پیچیدگی‌های عصر دیجیتال است. موفقیت در مهار این چالش، مستلزم عبور از دوگانه‌انگاری «فقه یا روانشناسی» و خلق گفتمان میان‌رشته‌ای است که در آن،

۳. منابع فضای مجازی و رسانه

۵. نجفی، محمدحسن. « ۱۴۰۴ق ». جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام « ج ۴۱ ». بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۱. جلالی، حمیدرضا. « ۱۳۹۹ ». آسیب‌شناسی روانی- اجتماعی فضای مجازی برای نوجوانان. تهران: انتشارات تربیت اسلامی.

۲. منابع روانشناسی و تربیتی

۶. احمدی، سید احمد. « ۱۴۰۰ ». روانشناسی رشد نوجوانی: مفاهیم و چالش‌ها « چاپ چهارم ». تهران: انتشارات رشد.

۱۲. زارعان، محمد. « ۱۴۰۱ ». هویت مجازی و بحران معنا در نسل دیجیتال. فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ۲۹ « ۱ »، ۴۵-۶۸.

۷. جعفری، فاطمه. « ۱۳۹۹ ». تأثیر فضای مجازی بر بحران هویت نوجوانان. فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۱۲ « ۳ »، ۴۵-۶۲.

۱۳. سادات‌حسینی، سید مهدی. « ۱۳۹۹ ». الگوهای ارتباط مؤثر والدین با نوجوان در عصر دیجیتال. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۸. شرفی، محمدرضا. « ۱۳۹۸ ». مبانی روانشناختی تحول هویت دینی در نوجوانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۴. فتحی، سروش. « ۱۳۹۸ ». فقه و روانشناسی: رویکردی میان‌رشته‌ای به مسئولیت کیفری نوجوانان. فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۵ « ۴ »، ۱۱۵-۱۴۲.

۹. شکوهی‌یکتا، محسن. « ۱۴۰۰ ». تربیت دینی در چالش‌های نوظهور فضای مجازی. تهران: انتشارات مدرسه.

۱۵. قاسمی‌پور، علیرضا. « ۱۴۰۱ ». سیاست‌گذاری فرهنگی در فضای مجازی: از نظریه تا عمل. فصلنامه مطالعات فرهنگ‌ارتباطات، ۲۳ « ۴۵ »، ۱۴۵-۱۷۰.

۴. منابع حقوقی و اجتماعی

۱۰. غفاری، هادی. « ۱۴۰۰ ». آسیب‌شناسی تربیت دینی نوجوانان در فضای سایبر. مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۱۳ « ۲ »، ۵۹-۸۴.

۱۶. زنگنه، مهدی. « ۱۳۹۷ ». مسئولیت کیفری نوجوانان در نظام حقوقی ایران. تهران: انتشارات جنگل.

پاورقی‌ها:

۱۷. صبوری، علی. « ۱۴۰۰ ». جرایم حدی در فضای سایبر: تحلیل فقهی-حقوقی. پژوهش‌های فقهی، ۱۸ « ۲ »، ۸۹-۱۱۰.

« ۲ » دانش آموخته سطح ۲ سفیران هدایت .
amirfhg32@gmail.com

« ۳ » دانش آموخته کارشناسی آموزش ابتدائی دانشگاه فرهنگیان . rezasani138000@gmail.com

۵. پایان‌نامه‌ها و گزارش‌ها

« ۴ » دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی کرج.
maryamkhanverdi75@gmail.com

۱۸. ناصری، زهرا. « ۱۳۹۹ ». بررسی رابطه بحران هویت و گرایش به رفتارهای پرخطر در فضای مجازی میان نوجوانان تهرانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

« ۵ » دانش پژوه سطح ۳ حوزه علمیه تهران .
asghargoharijamshid@gmail.com

۱۹. مرکز تحقیقات فضای مجازی. « ۱۴۰۲ ». گزارش ملی آسیب‌شناسی رفتارهای نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

پانویس‌ها: